

بقلم : استاد بزرگ شیخ محمود شلتوت

داستان:

تقریب بین مذاهب اسلامی

استاد بزرگ، رئیس فقید دانشگاه الازهر شیخ محمود شلتوت قبل از درگذشت خود مقدمه‌ای بر کتاب استاد محمد تقی قمی عالم شیمه و دبیر کل دارالتقریب (در باره پیدایش این فکر و راه و رسم و هدف آن) نوشته که در واقع آخرین نوشته آن مرد بزرگ می باشد.

این مقدمه در آخرین شماره مجله «رسالة الاسلام» چاپ قاهره، شماره ۵۵ و ۵۶ - بدوزبان عربی و انگلیسی درج شده و ما اینک ترجمه آن را در اینجا میآوریم.

سید هادی خسرو شاهی

«مسلمانان باید افتخار کنند که آنان زودتر و جلوتر از دیگران ب فکر ایجاد وحدت کلمه و تقریب بین مذاهب خود افتادند و بان جامه عمل پوشانیدند». شلتوت.

* * *

دارالتقریب فکر خوبی کرده که می خواهد کتابی را منتشر سازد که در آن داستان تاریخی تقریب، این طرز فکر اسلامی را ثبت و ضبط نماید؛ تاریخ پیدایش و مراحل گوناگون و تحولات آن را بنویسد و همچنین تأیید هواداران و مخالفت معاندان را نیز یاد آوری کند تا بخوبی روشن شود که چگونه این فکر، پس از طی مراحل، اکنون یکی از حقایق علمی ثابت در تاریخ فکر اسلامی شده و چگونه روح اصلاح و محبت و برادری بین مؤمنان، در آن نفوذ کرده تا گفتار پروردگار تحقق یابد که: «مردم با ایمان برادر هم دیگرند، بین آنان اصلاح کنید و از خدا بترسید شاید که مورد رحمت قرار گیرید» (۱).

(۱) : انما المؤمنون اخوة ، فاصلمو بین اخیکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون .

من دوست داشتم که اگر میتوانستم، این داستان را خودم بنویسم تا در آن انواع تفکرات و احساساتی را که در فترت‌های گوناگون عمر خود با آن مواجه شده‌و در آن بسر برده‌ام، یادداشت کنم... عمری که در آن با برادران عزیزی آشنا شدم که همدیگر را بخاطر خدا دوست داشتیم و بایکدیگر بخاطر کشف حقیقت و طلب مراتب بلند علمی دینی - که وظیفه مسلمانان است آنرا بخوانند و بسوی خود آورند - به بحث و مناظره پرداختیم.

* * *

من دوست داشتم که خودم بشرح این داستان پردازم تا مطالبی را بنویسم که من از مجموعه آراء و افکار؛ اجتماعات و مباحثات، نامه‌ها و مذاکرات با هیئت‌ها، آنرا درک و احساس می‌کردم... زیرا که دعوت و راه تقریب، در واقع همان دعوت توحید و وحدت است، همان دعوت اسلام و صلح است و راه و روش آن نیز باید همان راه و روش محکمی باشد که خداوند، رسول بزرگ خود را بان امر کرده است: «با حکمت (استدلالات عقلی) و پندهای نیکو مردم را بسوی پروردگارت دعوت کن و ببا بهترین منطق با آنها به بحث پرداز، برستی که پروردگارتو بهتر می‌داند که چه کسی از راه وی منحرف گردید و بهتر می‌داند که چه کسانی بسراه راست رفته‌اند» (۱).

و اگر افکار و عقول با اخلاص و انصاف مشغول بحثی باشند و هدفی جز جستجوی حق و حقیقت نداشته باشند، روشنی‌ها در جلو آن پرتومی افکند و اشعه هدایت الهی بر آن می‌تابد و قهرآ از آن روشنیها و پرتو افکنیها بهره برداری میشود و من بگفتار خداوند نمذکره میشوم که میفرماید: «واتقوا الله و یلمکم الله».

این آیه در واقع شامل دستور صریح به تجرد و دوری از هر گونه هوی و هووسنی است و باید هر کسی که میخواهد مشغول علم و بحثی شود با پاکی و پارسائی باشد که در نتیجه آن، لطف الهی فیض بخش او میگردد. و متقی و پارسا در راه کسب علم، همان کسی است که تعصب فرقه‌ای بر او چیره نگشته و غلبه ننماید و در راه هدف و مقصد، متوجه چپ و راست نگردد.

* * *

من دوست داشتم که در صورت امکان؛ خودم فکر آزادی مذهبی صحیح منکی بر پایه و

(۱) : ادع الی سبیل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن، ان ربك

هو اعلم بمن ضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين

برنامه اسلام را تصویر و ترسیم کنم ، همان روش آزادانه‌ای که بزرگان مادر تاریخ فقهی ما بر آن بوده‌اند ، همان کسانی که از تعصب تک و تاریک بالاتر بودند و در دین خدا و شریعت او ؛ از جمود و رکود دوری می‌جستند و هرگز گمان نمی‌کردند که در آنچه که هستند بحق و حقیقت پیوسته‌اند که قابل تردید نباشد و همه باید از او پیروی کنند .

بلکه می‌گفتند : « این عقیده و رأی منست که کوشش و علم من بآن رسیده است ولی با حدی اجازه نمی‌دهم که بدون تحقیق در اینکه من آنرا از کجا گفتم ، از آن پیروی و تبعیت کند . پس دلیل هنگامی که محکم باشد ، تکیه گاه من و حدیث وقتی که صحیح باشد رأی و مذهب منست »

* * *

و دوست داشتم که داستان تقریب را کسی غیر از برادرم ، امام مصلح ، « محمد تقی قمی » مینوشت تا بتوانست از این مرد دانشمند و مجاهدی که هیچوقت از خود یا از آنچه که در این راه بسر آورده است ، چیزی نمی‌گوید ، سخن بگوید . . . او نخستین مبلغ و داعی این راه بود و بخاطر آن باین دیار ، دیار الازهر شریف ، هجرت و سفر کرد . . . و از همان روزیکه تخم این فکر را پاشید در جوار آن بسر برد و بامید برکت و لطف الهی در کنار آن زندگی کرد و همچنان در پرورش و آبیاری آن - با آنچه که خداوند از بزرگواری و اخلاص ؛ علم کافی ؛ شخصیت نیرومند و صبر و بردباری و استقامت در مقابل گرفتاریهای روزگار باو عنایت کرده بود . . . - کوشید . تا آنکه محصول کشت خود را دید که درخت ریشه دار و محکمی گشته که شاخه‌های آن باطراف گسترده شده و بیاری خدا در هر فرصتی میوه و ثمره خود را میدهد و در سایه آن بسیاری از دانشمندان و متفکران ؛ چه در این دیار و چه در سرزمینهای دیگر ، بسر می‌برند .

ولی از طرفی باید گفت :

چه کسی بهتر از مبلغ و داعی نخستین يك طرفه فکر ؛ از مسائل آن آگاه است ؟ .

* * *

من به فکر تقریب : بمثابه يك راه استوار ، ایمان آوردم و از روز نخستین در جماعت التقریب ، شرکت جستم و در سایه آن بکوششهای بسیاری برخاستم که از آنجمله فصول مرتب و مسلسل تفسیر قرآن کریم است که اکنون مدت ۱۴ سال تمام است که مجله « رساله الاسلام » آنرا منتشر می‌سازد و این مباحث کتاب مستقلی شده که بنظر خودم بهترین و عزیزترین افکار و جاویدترین اثر من بوده و بزرگترین چیزی است که در مقابل آن از خداوند انتظار پاداش

دارم ، زیرا بهترین چیزیکه در نزد خدا بحساب میآید کوشش خالصی است که مؤمن و مسلمانی در خدمت به کتاب خدا انجام دهد .

این سبک از کوشش علمی موجب شد که من با چشم باز و روشن و نیرومندی ؛ بر جهان اسلامی بنگرم و بر بسیاری از حقایقی که باعث اختلاف مسلمانان و مانع وحدت کلمه و نزدیکی دلها بر برادری اسلامی بود ، پی ببرم و با بسیاری از مردان فکر و علم در جهان اسلامی آشنا شوم .

همین اقدام باعث شد که من پس از تصدی مقام ریاست الازهر ، فتوای خود را درباره جواز پیروی از مذاهب اسلامی ریشه دار که منابع ومدارك آن صحیح و معتبر است ، صادر کنم و از آنجمله مذهب شیعه امامیه اثنی عشری است .

این فتوی با امضای ما در دارالالتقرب موجود است ولی از روی آن عکسبرداری شده و تحت نظر ما چاپ و پخش شد و خوشبختانه انعکاس بسیار خوبی در همه سرزمینهای اسلامی داشت و روشنی بخش چشم و دل بسیاری از مردمان با ایمانی گردید که هدفی جز حق و مهربانی و مصالح توده های مسلمان ندارند .

البته سئوالات مختلف ، مذاکرات و مشاورات زیادی نیز در اطراف آن بوقوع پیوست ولی من به صحیح بودن آن ایمان دارم و بر آن فکر ، ثابت هستم و در هر فرصتی ؛ در جواب نامه ها ، در رد شبهات معترضان ، در مقاله هایی که مینویسم ، در گفتار هائی که از رادیو پخش میشود ، یا در بیاناتی که برای دعوت به وحدت و چنگ زدن به اصول اسلام و فراموشی کینه ها و حقد ها ایراد میکنم ، آن فکر را تایید مینمایم . و بیاری خدا اکنون این فکر بمثابه حقیقتی تثبیت شده و در میان مسلمانان همانند قضایا و حقایق قطعی و ثابت دیگر ، مورد استفاده و بهره برداری است ؛ در صورتیکه از روز نخست شایعه سازان در اثر ضعف فکری و اختلاف فرقه ای و نزاع سیاسی ، درباره آن موهومات و افسانه هائی مرتباً منتشر ساخته اند .

و خوشبختانه دانشگاه الازهر نیز به حکم خو است این فکر و اصول تقریب بین صاحبان مذاهب مختلفه اسلامی ، خاضع شده و تدریس فقه مذاهب اسلامی - اعم از سنی و شیعی - را بدون تعصب باین و آن ، فقط با تکیه بدلیل و برهان ، برقرار ساخته است و در نظر دارد که مجمعی هم برای تحقیقات اسلامی تشکیل دهد که اعضاء آن مرکب از همه مذاهب اسلامی باشد .

و بدین ترتیب ؛ این فکری که ما بآن ایمان آورده ایم و با جهاد بسیار و کوشش فراوان در راه آن کار کرده ایم ، اکنون بخوبی پی ریزی شده و رشد یافته و رسالت آن مورد تقدیر و اجرا قرار گرفته است ،